

A رابرت وانوی، خروج به تبعید، سخنرانی 4

خروج ۲۱ و پس از آن و بررسی عهد

د. در سینا، خروج ۱۹ تا اعداد ۱۰:۱۰ اسرائیل در بیابان ۲.

۱. تأسیس پیمان سینا.

ه. کتاب عهد خروج ۲۲:۲۰-۲۳:۳۳

D، بود، «اسرائیل در بیابان»، بخش II بیابید به جایی که دفعه قبل تمام کردیم برگردیم، که عدد رومی بودیم. یکی «تأسیس عهد سینا» و دیگری e ما در بخش ۱، D در سینا، خروج ۱۹ - اعداد ۱۰:۱۰»، و در بخش «کتاب عهد - خروج ۲۲:۲۰-۲۳:۳۳» است. به یاد داشته باشید که ما در مورد کتاب عهد به عنوان کاربرد نقش «بنیادی ده فرمان در انواع خاص‌تری از پرونده‌های حقوقی صحبت کردیم. ما به نمونه‌هایی از آن نگاه کردیم. در پایان آن بحث، اشاره کردم که قوانین باستانی دیگری از خاور نزدیک وجود دارد که کاوش، ترجمه و منتشر شده‌اند تا بتوانید این قوانین را بخوانید - من پنج مورد از آنها را در اسلاید ۱۷ فهرست کرده‌ام - که توجه داشته باشید، همه آنها پیش از زمان موسی هستند. ما در مورد تاریخ خروج صحبت کردیم، که در واقع راهی برای رسیدن به تاریخ موسی است، بسته به اینکه آیا دیدگاه شما نسبت به تاریخ اولیه باشد یا متاخر، موسی ۱۴۰۰ تا قبل از میلاد مسیح خواهد بود، و اگر به تاریخ این قوانین نگاه کنید، آنها از ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد ۱۲۰۰ مسیح به پایین می‌آیند. بنابراین پنج قانون وجود دارد که به طور قابل توجهی از آنچه که شما ممکن است قانون عهد در خروج ۲۰ تا ۲۳ بنامید، قدیمی‌تر هستند.

سپس کاری که دفعه قبل انجام دادیم: ما به یک نمونه از مقایسه یک قانون از مجموعه قوانین عهد با یکی از قوانین اشونا، در این موضوع گاوکشی، به ویژه آیه ۳۵ از خروج ۲۱ در مقایسه با قانون ۵۳ از مجموعه قوانین اشونا پرداختیم. تقریباً یکسان است، عبارت‌بندی کمی متفاوت است، اما نحوه برخورد با مشکل گاوکشی قطعاً مشابه است. من این را در پایان جلسه قبلی مان ذکر کردم. این سوال را مطرح می‌کند که چه رابطه‌ای بین تدوین قانون در مجموعه قوانین عهد خروج ۲۰-۲۳ با تدوین قوانین در قوانین باستانی خاور نزدیک وجود دارد.

در اواخر جلسه، پیشنهاد دادم که فکر نمی‌کنم دلیلی وجود داشته باشد که نتیجه بگیریم که ممکن نیست خداوند در تدوین قوانین کتاب عهد، آگاهی، دانش و آشنایی موسی با سنت‌های حقوقی آن زمان را در نظر گرفته باشد. اگر همانطور که اشاره کردم، به خروج ۱۸:۱۶ برگردید، جایی که موسی در بیابان با پدرزنش پیترون ملاقات می‌کند و پیترون به او توصیه می‌کند که داوران را برای هزاران، صدها، ده‌ها و غیره تعیین کند، فقط موارد دشوار به موسی مراجعه می‌کردند. در آیه ۱۶ از خروج ۱۸ می‌خوانیم که موسی می‌گوید: «هرگاه اختلافی داشته باشند، نزد من آورده می‌شود. من بین طرفین داور می‌کنم و احکام و قوانین خدا را به آنها ابلاغ می‌کنم.»

در اینجا موسی است که قبل از کوه سینا، اسرائیل را از احکام و قوانین خدا آگاه می‌کند، و هر روشی که او این کار را انجام داده باشد، احتمالاً مشابه همان چیزی است که در تدوین قوانین کتاب عهد اتفاق می‌افتد. بنابراین وقتی در خروج ۱: ۲۱ می‌خوانید: «اینها قوانینی است که باید پیش روی آنها قرار دهید»، به نظر من منظور این است که این قوانین دارای ضمانت اجرایی الهی هستند و خداوند آنها را از طریق موسی به اسرائیل می‌دهد و در این فرآیند، دانش موسی از سنت حقوقی زمان خود را در تدوین آنها لحاظ می‌کند.

حال، با این اوصاف، این بدان معنا نیست که، برخلاف آنچه و. اقتباس از قوانین باستانی خاور نزدیک: تفاوت‌ها برخی سعی در استدلال دارند، مطالب کتاب مقدس صرفاً از برخی از این قوانین باستانی دیگر اقتباس شده است فکر می‌کنم اگر با دقت نگاه کنید، تفاوت‌های زیادی بین کتاب عهد عتیق و قوانین باستانی خاور نزدیک وجود دارد. می‌خواهم برخی از این تفاوت‌ها را بررسی کنم. اگر به استنادات خود نگاه کنید، در صفحه ۲۴ پاراگراف‌هایی از کتابی با عنوان «*مضامین در الهیات عهد عتیق*» نوشته ویلیام دایرنس وجود دارد. در بحث دایرنس در مورد کتاب عهد، او اشاره می‌کند که از بسیاری جهات، محتوای تحت‌اللفظی کتاب عهد بسیار برتر از آنچه در این قوانین باستانی دیگر می‌یابید، است. این کتاب نه تنها بسیار برتر است، بلکه از بسیاری جهات، کاملاً متفاوت است، حتی اگر نقاط مشترکی مانند قانون گاوکشی وجود داشته باشد. توجه کنید که او می‌گوید - این صفحه ۲۴ از نقل قول‌ها است - «شبهات ظاهری قانون عهد عتیق با سایر قوانین غیرقابل انکار است و پرسیدن اینکه چه رابطه‌ای ممکن است بین آنها وجود داشته باشد، آموزنده است».

ما قبلاً دیده‌ایم که در اسرائیل، خدا به جای پادشاه، به عنوان . خدا، نه پادشاه، به عنوان قانونگذار قانونگذار خدمت می‌کرد. این، ایده قانون را در یک دیدگاه منحصر به فرد قرار می‌دهد. به یک معنا، تمام قوانین عهد عتیق مذهبی بودند. اسرائیل درک عمیقی از این تفاوت داشت: موسی در تثنیه ۸: ۴ می‌پرسد: «کدام ملت بزرگ وجود دارد که قوانین و احکامی به عدالت تمام این قانون دارد؟» آنها می‌دانستند که خدا «با هیچ ملت دیگری چنین نکرده است» (مزمور ۱۴۷: ۲۰). اما در عین حال، شبهات‌ها با قوانین همسایه نیز قابل توجه است اینها نه یک اقتباس کلی، بلکه، به گفته‌ی رولان دوو، که یک محقق عهد عتیق فرانسوی بود، «تأثیر یک قانون عرفی واحد و گسترده» را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، نوعی سنت عرفی بسیار گسترده در آن دوره زمانی وجود داشت. «بیابید این رابطه را با جزئیات بیشتری بررسی کنیم».

در وهله‌ی اول، از آنجا که قانون برای حفظ رابطه‌ی پیمان است، بت‌پرستی به بت‌پرستی محکوم است. ۱. شدت محکوم می‌شود. خروج ۲۳: ۲۰. «به خروج ۲۳: ۲۰ توجه کنید: «هیچ خدایی را در کنار من قرار ندهید خدایان نقره یا خدایان طلا برای خود نسازید.» و در خروج ۲۲: ۲۰: «هر که برای خدایی غیر از یهوه قربانی

کند، باید نابود شود.» بنابراین، بت پرستی محکوم می‌شود.

ثانیاً، زندگی محترم شمرده می‌شود. به آنچه دایرنس می‌گوید نگاه کنید. زندگی محترم شمرده می‌شود. ۲. علاوه بر این، زندگی متعلق به خداست» - با اشاره به پیدایش ۹:۵، «انسان به صورت خدا آفریده شده است» که انسان را به شیوه‌ای منحصر به فرد از سایر موجودات زنده متمایز می‌کند - «به طوری که وقتی گاوی مردی را می‌کشد، گوشت آن خورده نمی‌شود»، خروج ۲۸:۲۱ و ۳۲. در نتیجه، مجازات اعدام به اندازه قانون حمورابی رایج نیست. در آنجا زنی که از اموال خود محافظت نمی‌کند به رودخانه انداخته می‌شود. سرقت مجازات مرگ دارد، همانطور که شهادت دروغ در دادگاه. در واقع، به طور کلی، مجازات تصریح شده در عهد عتیق، نشان دهنده محدودیتی از وحشیگری فاحش است.» بنابراین، این دومین نکته در ذیل عبارت «زندگی محترم شمرده می‌شود» است. حال، تعداد قابل توجهی از جرائم وجود داشت که برای آنها زندگی لازم بود، جرائم اعدام در عهد عتیق وجود داشت، اما بسیار کمتر از آنچه در برخی از قوانین خارج از کتاب مقدس دیگر می‌یابید.

و سوم اینکه، مجازات‌ها نشان دهندهی خویشتن‌داری هستند مجازات‌ها نشان دهندهی خویشتن‌داری هستند ۳. به طور کلی، در قوانین کتاب مقدس، خویشتن‌داری بسیار بیشتری نسبت به قوانین خارج از کتاب مقدس وجود دارد، و چیزی که به طور خاص در ارتباط با آن برجسته است این است که هیچ‌گونه قطع عضو فیزیکی وجود ندارد. اگر به قانون حمورابی نگاه کنید، قانون ۱۹۲ می‌گوید: «اگر فرزندخوانده‌ی یک پیشکار یا فرزندخوانده‌ی یک عابد به پدرخوانده یا مادرخوانده‌ی خود گفته باشد: 'تو پدر من نیستی، تو مادر من نیستی'، چه باید کرد؟ آنها زبانش را خواهند برید.» این نوع سنت هنوز در برخی از فرهنگ‌های خاورمیانه زنده بود. قانون ۱۹۳: «اگر فرزندخوانده‌ی یک پیشکار یا فرزندخوانده‌ی یک عابد، اصل و نسب خود را شناسایی کند و از پدرخوانده یا مادرخوانده‌ی خود متنفر شود و به خانه‌ی پدری خود برود، چه باید کرد؟ آنها چشمش را درمی‌آورند.» قانون ۲۰۵، اگر یک برده ارشد، رئیس یکی از اعضای اشراف را زده باشد، باید گوشش را ببرند.» قانون ۲۱۸، «اگر پزشکی با یک نیزه برنزی جراحی بزرگی روی یک سالمند انجام داده و باعث مرگ او شده باشد، یا حدقه» چشم سالمند را باز کرده و چشم سالمند را از بین برده باشد، باید دست او را قطع کنند.» بنابراین، اگر شما یک جراح هستید و در کارتان اشتباه کرده‌اید، احتمال از دست دادن دستتان وجود دارد. اما این نوع چیزها، مثله کردن فیزیکی، در این قوانین باستانی خاور نزدیک بسیار برجسته است. وقتی قوانین کتاب مقدس را می‌خوانید، چنین چیزی را نمی‌بینید.

چهارم، تمایزات طبقاتی برجسته نیستند. در وسط صفحه تمایزات طبقاتی برجسته نیستند - برابری ۴.

دایرنس می‌گوید: «این واقعیت که همه در رابطه پیمانی در حضور خدا به طور مساوی ایستاده بودند، ۲۴»

تشخیص تمایز طبقاتی در قانون آنها را غیرممکن می‌کرد. یک قانون برای آزادگان و قانون دیگری برای بردگان «وجود ندارد. در واقع، بردگان برای حمایت ویژه در قانون در برابر اربابان ظالم و سخت‌گیر قرار می‌گیرند بنابراین، تمایز طبقاتی برجسته نیست. آنها در این قوانین دیگر برجسته هستند. در قوانین کتاب مقدس، بردگان در برابر سوءاستفاده محافظت می‌شوند. باز هم، همانطور که درینس ادامه می‌دهد، «در مقابل، اکثر قوانین خاور نزدیک مجازات‌های مختلفی را برای فردی که به جایگاه اجتماعی‌اش وابسته است، تعیین می‌کنند: «قانون حمورابی ۲۰۳: اگر یکی از شهروندان به گونه هم‌نوع خود ضربه بزند، باید یک مینا نقره بپردازد.» اما به قانون «بعدی توجه کنید: «اگر رعیت یک شهروند به گونه یکی از شهروندان ضربه بزند، گوش او را خواهند برید بنابراین، اگر از جایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار باشید، جریمه پرداخت می‌کنید. اگر از جایگاه اجتماعی پایین‌تری برخوردار باشید، گوش خود را از دست می‌دهید. بنابراین، بردگان در متن کتاب مقدس در برابر سوءاستفاده محافظت می‌شوند.

فساد اخلاقی به شدت مجازات می‌شود و در ارتباط با آن مجازات فساد اخلاقی: از دواج محافظت شده ۵. از دواج‌ها محافظت یا محافظت می‌شوند. دایرنس می‌گوید: «از آنجا که از دواج از نظر خداوند بسیار مهم است و توسط او وضع شده است، هرگونه تخلف از عفت به شدت مجازات می‌شود. در حالی که بی‌بندوباری در بسیاری از قوانین باستانی مجازات می‌شود، خارج از عهد عتیق استثنائاتی وجود دارد که توسط قانون مجاز شمرده شده است. اما در عهد عتیق اگر با یک برده به طور نامناسب رفتار شود، باید با او درست مانند یک همسر رفتار شود، خروج ۲۱:۷-۱۱. اگر مردی باکره‌ای را اغوا کند، او همسر او خواهد شد، خروج ۲۲:۱۶. در غیر این صورت زنا و زنا مجازات مرگ دارد. دستورالعمل‌های دقیق در لاویان در مورد روابط مناسب بین زن و مرد با این هشدار همراه است که آنها نباید مانند آنچه در مصر، جایی که بودند، انجام می‌شد، و نه مانند آنچه در کنعان، جایی که به آنجا می‌رفتند، انجام شود.» می‌بینید، اعمال کنعانی‌ها در زمینه روابط بین دو جنس کاملاً متفاوت از آنچه در لاویان می‌بینید بود. «و دستورالعمل‌ها با این التماس به پایان می‌رسند که خود را با این اعمال نجس نکنند، زیرا من خداوند، خدای شما هستم» (لاویان ۱۸:۳۰). در نهایت، حتی روابط انسانی نیز باید منعکس کننده شخصیت «خدا باشند و بنابراین هرگز نباید فقط از نظر مصلحت درک شوند. بی‌وفایی در سراسر عهد عتیق چنان گناه وحشتناکی بود که خدا از آن برای نشان دادن عمق بی‌وفایی اسرائیل با او استفاده کرد.

«[بیوه‌ها، یتیمان، بیگانگان مقیم] محافظت شده [ویدیوهای هاربین] WORA ۶. »

و در نهایت، بیوه‌ها، یتیمان و غریبه‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرند. افراد ضعیف جامعه به وضوح مورد حمایت قرار می‌گیرند، و همانطور که دایرنس می‌گوید: «به طور خاص در شریعت عهد عتیق، مقررات

بی‌شماری برای غریبه یا بیگانه و برای کسانی که به نوعی معلول هستند، منحصر به فرد است. دستور العمل‌هایی برای نابینایان و ناشنوایان، برای بیوه‌ها و یتیمان و برای فقرا وجود داشت. غریبه‌ها برای محافظت در برابر ظلم و ستم انتخاب شده بودند، زیرا توضیح داده شده است: «شما باید قلب غریبه را درک کنید، زیرا در مصر غریبه بودید.» خداوند به ویژه نگران افراد محروم بود، که در مورد آنها می‌گوید: «اگر... آنها به من فریاد بزنند، من مطمئناً فریاد آنها را خواهم شنید» (خروج ۲۳: ۲۲). تقریباً می‌توان سخنان مسیح را شنید: «خوشا به حال شما فقیران، زیرا پادشاهی خدا از آن شماست» (لوقا ۶: ۲۰). فقر در عهد عتیق یک فضیلت محسوب نمی‌شود، اما در آنجا به این موضوع اذعان شده است که نظم سقوط کرده چقدر ناعادلانه است و کسانی که قربانی ویژه بی‌عدالتی آن هستند، فرصتی آسمانی برای قوم خدا فراهم می‌کنند تا رحمت خود خدا را ابراز کنند.» اگر به خروج ۲۱: ۲۲- نگاه کنید، فقط برای مثال، در آنجا می‌خوانید: «با غریب بدر رفتاری نکنید و به او ظلم نکنید، زیرا شما در ۲۲ مصر غریب بودید. از بیوه یا یتیمی سوءاستفاده نکنید. اگر این کار را بکنید و آنها به من فریاد بزنند، من مطمئناً فریاد آنها را خواهم شنید، خشم من برانگیخته خواهد شد و شما را با شمشیر خواهم کشت، زنان شما بیوه و فرزندان شما یتیم خواهند شد.» بنابراین باید بسیار جدی گرفته می‌شد، همانطور که بیوه‌ها، یتیمان و غریبه‌ها باید محافظت می‌شدند.

مطمئناً می‌توانید تفاوت‌های بین قانون کتاب مقدس و قوانین موجود در درجه بالای نگرانی بشردوستانه ۷. سایر قوانین باستانی خاور نزدیک را ببینید. ما به برخی از تفاوت‌های خاص نگاه کرده‌ایم. اگر تعمیم دهید، فکر می‌کنم می‌توانید بگویید که تفاوتی در روحیه مذهبی وجود دارد، درجه بالایی از نگرانی بشردوستانه وجود دارد و اصطلاحات حقوقی، و همچنین نظم و محتوا، متفاوت هستند. بنابراین، اگرچه نکاتی در قانون میثاق وجود دارد که در آن بازتابی از سنت حقوقی آن دوره زمانی و فرهنگی خاص را می‌بینید، این تفاوت‌ها آنقدر برجسته هستند که فکر می‌کنم کاملاً واضح است که هیچ وام‌گیری مستقیمی از قوانین خارج از کتاب مقدس که در ترکیب کتاب میثاق یا تدوین قوانین کتاب میثاق دخیل است، وجود ندارد. قوانین زیادی وجود دارد که در قوانین خارج از کتاب مقدس مشابه پیدا نمی‌کنند.

بنابراین فکر می‌کنم نتیجه‌گیری نکته‌ای که در مورد ANE ارتباط غیرمستقیم به جای مستقیم با قوانین ۸. رابطه‌ی بین کتاب عهد و سایر قوانین باستانی خاور نزدیک می‌توان به آن اشاره کرد این است که رابطه‌ای وجود دارد، اما این رابطه غیرمستقیم است نه مستقیم. من فکر می‌کنم نکته‌ی خروج ۱: ۲۱، «این‌ها قوانینی هستند که باید پیش روی ایشان قرار دهید»، این است که این‌ها قوانینی هستند که خداوند می‌خواست قومش در این برهه‌ی زمانی خاص، همزمان با تثبیت شدن به عنوان قوم عهد او، داشته باشند. کتاب عهد از نظر اقتدار الهی و طرح خود بی‌نظیر است. اما در عین حال، ریشه در مفاهیم حقوقی روزگاری دارد که در آن نوشته شده است. من فکر می‌کنم

این چیزی است که ما عموماً در نحوه‌ی صحبت خداوند با قومش می‌بینیم؛ او با زبان، قالب‌های فکری، ایده‌ها و نهادهایی که با آن‌ها آشنا هستند، به سراغ آن‌ها می‌آید و این قوانین از این نظر هیچ تفاوتی با سایر نهادهایی که ندارند. ممکن است در اسرائیل پیدا کنید، ندارند.

فکر می‌کنم نکته‌ای که مطرح می‌شود این است که مجازات یک جرم مشخص باید متناسب با شدت جرم باشد. به عبارت دیگر، باید در شدت مجازات با شدت جرم برابری وجود داشته باشد، چشم در برابر چشم، دندان در برابر دندان. در قانون حمورابی وقتی کسی کار کوچکی انجام می‌دهد، گوش یا چشم یا دست خود را از دست می‌دهد. بین مجازات و جرم تفاوت وجود دارد. معمولاً، حتی برای مرگ تصادفی، هیچ مجازاتی برای آن وجود ندارد. مرگ تصادفی در مطالب کتاب مقدس قانون‌گذاری شده است. برای مرگ تصادفی، مجازات اعدام اجرا نمی‌شود. این قتل عمد است که برای آن مجازات اجرا می‌شود. به طور کلی، نوعی جریمه وجود خواهد داشت - مثلاً کسی که آسیب دیده است، خب، چشم شخص دیگری را، ما آن را به معنای واقعی کلمه در نظر نمی‌گیریم. آنها چشم آن شخص دیگر را از او نمی‌گیرند. اگر کاری انجام داده باشد، جریمه پرداخت می‌کند، اما همین است. اما، نقص عضو فیزیکی وجود نخواهد داشت.

ف. عهد رسماً تصویب شد - خروج 24: 1-11

بیاید به بخش «عهد رسماً تأیید شد - خروج 24: 1-11» برویم. پس از ارائه این مطالب، در آیه 3 می‌خوانید: «هنگامی که موسی رفت و تمام سخنان و قوانین خداوند را به مردم گفت، آنها با یک صدا پاسخ دادند هر آنچه خداوند گفته است، انجام خواهیم داد.» سپس موسی هر آنچه را که خداوند گفته بود، نوشت. او صبح زود روز بعد از خواب بیدار شد، در پای کوه قربانگاهی ساخت و دوازده ستون سنگی به نمایندگی از دوازده قبیله اسرائیل برپا کرد. سپس مردان جوان بنی‌اسرائیل را فرستاد و آنها قربانی‌های سوختنی تقدیم کردند و گاوهای جوان را به عنوان قربانی‌های رفاقت به خداوند قربانی کردند. موسی نیمی از خون را گرفت و آن را در کاسه‌ها ریخت و نیمی دیگر را بر روی قربانگاه پاشید. سپس کتاب عهد را گرفت - شما می‌پرسید چرا این مطالب از 20 تا 23 کتاب عهد نامیده می‌شود، عنوان یا در واقع، برجسب از این آیه 7 می‌آید: "او کتاب عهد را گرفت،" او این مطالب قانونی را گرفت، "و آن را برای مردم خواند. آنها پاسخ دادند: "ما هر آنچه خداوند گفته است را انجام خواهیم داد. ما اطاعت خواهیم کرد." سپس موسی خون را گرفت، آن را بر مردم پاشید و گفت: "این خون عهدی است که خداوند مطابق با همه این کارها با شما بسته است." موسی و هارون، ناداب و ابیهو و هفتاد نفر از بزرگان اسرائیل بالا رفتند و خدای اسرائیل را دیدند. زیر پای‌های او چیزی شبیه سنگفرش یاقوت کبود، به شفافیت خود «آسمان بود. اما خدا دست خود را علیه این رهبران بنی‌اسرائیل بلند نکرد. آنها خدا را دیدند و خوردند و نوشیدند

حال، این تصویب عهد است و شما عناصر کلیدی مراسم تصویب عهد را که در این عناصر کلیدی عهد ۱. توصیف خروج ۲۴: ۳-۱۱ آمده است، دریافت می‌کنید. شما سند عهد را که در آیه ۴ و آیه ۷ ذکر شده است دارید: «موسی هر آنچه را که خداوند گفته بود، نوشت... او آن را برای مردم خواند.» شما شروط عهد را دارید که در آیه ۳ به آنها اشاره شده است: «او تمام سخنان و قوانین خداوند را به مردم گفت.» و شما در آیه ۳ و آیه ۷ سوگند عهد را دارید که در آن مردم می‌گویند: «هر آنچه خداوند گفته است، ما انجام خواهیم داد.» توجه داشته باشید که سوگند توسط مردم خورده می‌شود. سوگند توسط خود خداوند خورده نمی‌شود. مردم کسانی هستند که سوگند یاد می‌کنند. این موضوع، تفاوتی را مطرح می‌کند که بین آنچه عهد و عده و عهد شریعت نامیده می‌شود، مشاهده شده و اغلب در مورد آن نوشته شده است. شاید قبلاً به این موضوع اشاره کرده باشیم. در یک عهد و عده مانند عهد ابراهیمی یا عهد داوودی، خدا و عده می‌دهد و خدا سوگند یاد می‌کند. اگر به تصویب عهد ابراهیمی برگردید، توصیفی از آن را در پیدایش ۱۵ خواهید دید. در آن فصل، کوره آتشین و دودآلودی را دارید که بین دو نیمه کشته شده حیواناتی که خداوند در آنها قربانی می‌کند، حرکت می‌کند، چیزی که مردیت کلاین می‌گوید خودناسازگاری نامیده است سوگند یاد کن، «اگر به وعده‌ای که با تو داده‌ام عمل نکنم، بر من نیز چنین باد.» در یک پیمان شریعت، این مردم هستند که سوگند یاد می‌کنند، و در این مورد، پیمان سینا یک پیمان شریعت است، و این بنی‌اسرائیل هستند که سوگند یاد می‌کنند هر آنچه را که خداوند از آنها خواسته است، انجام دهند.

نکته دیگری که می‌خواهم توجه شما را به آن جلب کنم، پاشیدن خون است. مراسم مذهبی پاشیدن خون ۲. قربانی‌ها و پاشیدن خون وجود دارد. به نقل قول‌های خود، صفحه ۲۷، در مورد پاشیدن خون نگاه کنید. این از جی. ای. مویتز است. او گفت، «خون حرکت می‌کند اول گودوار در دلجویی، اما سپس، ثانیاً، مرد وارد و او ... پروردگار ... مردم. و آنها گفت، «همه که ... عهد و پیمان، و خواندن در آن شنوایی از ... کتاب از گرفت ... خون، و پاشیده شده آن را روی دارد ما صحبت خواهیم کرد انجام دادن، و باش مطیع. و موسی گرفت مردم. روشن چه افرادی انجام داد او پاشیدن آن؟ در چه دقیق لحظه انجام داد که آب پاشی از خون رخ دهد؟ در ... تعهد به اطاعت طبق به لحظه چه زمانی آنها متعهد خودشان به الف زندگی از اطاعت اول می‌آید ... آب ... پروردگار دارد گفت ما اراده انجام دادن، و ما اراده باش مطیع، سپس پروردگار خدا، «همه» که ... عهد و پیمان روی ... خون از ... خون مرد وارد و چه می‌کند که یعنی؟ آن یعنی که فقط به عنوان پاشی از ... خون ... دیگر دست ... رابطه از صلح با خدا توسط دلجویی، بنابراین روی ... یکی دست برقرار می‌کند ... رابطه از صلح با خدا برای الف مردم سازمان بهداشت جهانی هستند متعهد ... عهد و پیمان حفظ می‌کند از ... مردم هستند حرفه ای بودن فراتر از آنها قدرت: «آنها» داشته باشند به پیاده روی در اطاعت خدا می‌داند که خب گفت در چه آنها داشته باشند گفت. ای که آنجا بودند چنین یک قلب در آنها، که آنها ... می‌کرد نگه داشتن 'همه من احکام همیشه. (تثنیه ۲۸: ۵ و بعد از آن) اما آنها هستند حرفه ای بودن فراتر از آنها توانایی. خیلی خب

می‌گوید خدا، «من اراده ساختن الف تأمین برای آنها را.» همان خون که دارد ساخته شده صلح با خدا اراده نگه ... خون است موجود است برای الف ، ... راه از اطاعت داشتن صلح با خدایا. همانطور که آنها پیاده روی در ... عهد و پیمان خون اراده مردم متعهد به اطاعت کردن. همانطور که آنها تلو تلو خوردن و سقوط، بنابراین باش موجود است برای آنها را.» بنابراین شما در اینجا یک مراسم تصویب میثاق دارید، از جمله این عناصر که مشخصه چنین مراسم تصویب میثاقی هستند.

2. مقایسه معاهدات بین المللی

بیا بید به مورد دوم بپردازیم. این نوعی بحث درون پراکنش است که من اینجا مطرح می‌کنم چون فکر می‌کنم جای مناسبی برای بحث در مورد آن است، و این موضوع هر یک از خراجگزاران باستانی خاور نزدیک است. معاهدات و عهد سینا. این یک مسئله نسبتاً بزرگ است که پیامدهای زیادی دارد. بنابراین می‌خواهم با شما در مورد آن صحبت کنم. کل ایده مقایسه مطالب عهد کتاب مقدس با معاهدات بین‌المللی خاور نزدیک باستان، که امروزه در ادبیات کاملاً رایج است، در سال ۱۹۵۴ ایده جدیدی بود، زمانی که جورج مندنهال مقالاتی را در *باستان‌شناس کتاب مقدس* با عنوان «قانون و عهد در اسرائیل و خاور نزدیک باستان» منتشر کرد. اگر به فهرست منابع خود در زیر این عنوان نگاه کنید، آن مقاله در فهرست منابع شما موجود است. ایده اصلی استدلال مندنهال این بود که بین ژانر ادبی عهد کتاب مقدس و ژانر ادبی برخی از معاهدات خاور نزدیک، به ویژه معاهدات امپراتوری هیتی، می‌توان شباهت‌های چشمگیری مشاهده کرد. این یک ایده جدید بود. آن مقاله یکی از این نوع مقالات غیرمعمول است که از این نظر که یک حوزه مطالعاتی کامل ایجاد کرده، بسیار مهم است و کتاب‌ها و مقالات زیادی در نیمه دوم قرن بیستم وجود دارد که از جلب توجه مندنهال به شباهت‌های ادبی و ساختاری بین برخی از معاهدات هیتی و مطالب عهد کتاب مقدس ناشی شده است. آن معاهدات هیتی سال‌ها وجود داشتند؛ آنها در اوایل دهه ۱۹۰۰ کشف شدند و بسیاری از آنها در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ منتشر شدند مردم به آنها نگاه کرده بودند، از محتوای آنها آگاه بودند، اما هیچ‌کس متوجه تشابه ساختاری بین معاهدات هیتی و ساختار ادبی مطالب عهد کتاب مقدس نشد. بنابراین، اینجا یک حوزه مطالعاتی جدید وجود داشت.

الف. معاهدات هیتی

بیا بید به سراغ «معاهده‌های هیتی» برویم. معاهدات هیتی از چیزی که امپراتوری جدید هیتی نامیده می‌شود، آمده‌اند و اسنادی بودند که در طول سلطنت پنج پادشاه تدوین شدند. نام‌های جالبی در آنجا وجود دارد که در اسلاید ۲۲ فهرست شده‌اند. این معاهدات را می‌توان به دو گروه یا نوع تقسیم کرد. برخی از آنها معاهدات واسال و برخی دیگر معاهدات برابری نامیده می‌شوند. معاهدات. معاهده‌ی واسال، که رایج‌ترین شکل آن است

معاهده‌ای بین یک طرف برتر و یک طرف پایین‌تر است. گاهی اوقات یک معاهده‌ی واسال، معاهده‌ی سوزرین نامیده می‌شود. سوزرین پادشاه بزرگ امپراتوری هیتی بود، او از طریق ترتیبات معاهده، شریک برتر بود، در حالی که واسال شریک پایین‌تر بود. در یک سوزرین یا معاهده‌ی واسال، این تفاوت بین دو شریک معاهده وجود دارد، فقط طرف پایین‌تر است که با سوگند به مفاد توافق‌نامه‌ی معاهده متعهد می‌شود. بنابراین، واسال سوگند یاد می‌کند. همانطور که گفتیم، معاهده‌ی واسال یا سوزرین رایج‌ترین شکل معاهده‌ای است که از این دوره زمانی یافت می‌شود.

اما، چند نمونه از آنچه که پیمان برابری نامیده می‌شود، وجود داشت. بهترین نمونه، پیمانی است که بین رامسس دوم و هاتوسیلا سوم برقرار شد. حال، رامسس دوم همان رامسس از سلسله نوزدهم مصر است که ما در مورد تطبیق آن با اواخر تاریخ خروج صحبت کردیم. رامسس ارتشی را برداشت و با هیتی‌ها در سوریه در امتداد رود اورونتس جنگید. رودخانه بن‌بستی وجود داشت. هیچ‌کدام واقعاً نمی‌توانستند به پیروزی قاطعی دست یابند، و کاری که آنها در پایان آن نبرد انجام دادند، امضای یک پیمان برابری به عنوان دو طرف برابر بود. در یک پیمان برابری، هر دو طرف سوگند یاد می‌کنند و توافق می‌کنند که دیگر دوباره درگیر جنگ نشوند. مصر در جنوب منطقه خود را داشت و هیتی‌ها منطقه خود را در شمال داشتند. آنها به یک پیمان عدم تجاوز رسیدند، واقعاً همین بود.

اکنون، با معاهدات سوزرین/تابع است که می‌توانید مشابه ب. معاهدات سوزرین/تابع هیتی و پیمان میثاق، پیمان میثاق کتاب مقدس را بیابید. هدف از پیمان سوزرین یا تابع، طبق گفته مندنهال در آن مقاله در سال ۱۹۵۴ «ایجاد یک رابطه محکم حمایت متقابل بین دو طرف بود که در آن منافع حاکم هیتی دغدغه اصلی و نهایی بود» به عبارت دیگر، به نوعی این پیمان یک سوگند است. حاکم هیتی، حاکم مطلق است و در واقع منافع اوست که توسط مفاد این پیمان محافظت و حراست می‌شود. این پیمان چیزی است که «یک‌جانبه» نامیده می‌شود، یعنی فقط شریک پایین‌تر است که با سوگند متعهد می‌شود. به همین دلیل، به این معنی بود که واسال باید اعتماد نسبتاً زیادی به حاکم هیتی داشته باشد، حاکم هیتی آنچه را که قول داده است انجام دهد و واسال موظف باشد به شروطی که حاکم هیتی بر او گذاشته است، عمل کند. اگر این پیمان‌ها را بخوانید، متوجه می‌شوید که این ایده اعتماد بین واسال‌ها و پادشاهان بزرگ هیتی رایج بوده و بی‌اساس نبوده است، زیرا پادشاهان بزرگ هیتی کارهای خیرخواهانه‌ای برای واسال انجام داده بودند. به عبارت دیگر، پادشاه هیتی با واسال به شیوه‌های مثبت رفتار کرده و کارهای خوبی برای او انجام داده بود. بنابراین، این یک اعتماد کورکورانه نبود، بلکه اعتمادی مبتنی بر تجربیات گذشته از دست محافظ و یاری‌رسان حاکم هیتی بود.

بیابید به سراغ شکل معاهده برویم، همانطور که در اسلاید ۲۳ دیده می‌شود ج. شکل معاهدات هیتی: ۶ عنصر

حدود ۱۶ یا ۱۸ معاهده هیتی یافت شده است و اگر به الگوی ادبی که آنها را مشخص می‌کند نگاه کنید، متوجه خواهید شد که از یک الگوی ثابت استاندارد پیروی می‌کنند. شش عنصر اساسی در الگوی ادبی معاهدات خراجگزاران سوزرین وجود دارد. من قصد دارم در یک دقیقه در مورد هر یک از این عناصر چیزی بگویم. یک مقدمه، یک پیشگفتار تاریخی و سپس یک شرط اساسی وجود دارد، به دنبال آن شروط دقیق، به دنبال آن شاهدان، و سپس نعمت‌ها و نفرین‌ها.

۱. اکنون، با مقدمه، نام‌ها و عناوین حاکم هیتی را دارید. به عبارت دیگر، مقدمه نویسنده معاهده مقدمه ۱. نام و عناوین حاکم هیتی - را مشخص می‌کند. پس از آن یک مقدمه تاریخی می‌آید و فکر می‌کنم می‌توانیم بگوییم که مقدمه تاریخی احتمالاً مهم‌ترین عنصر در ساختار فرم معاهده است. دلیل اهمیت آن این است که لحن و روح رابطه معاهده را تعیین می‌کند.

کاری که مقدمه تاریخی انجام می‌دهد، ارائه خلاصه‌ای از روابط قبلی بین پادشاه بزرگ و رعیت است. آنچه مورد تأکید قرار می‌گیرد، کارهای خیرخواهانه پادشاه بزرگ نسبت به رعیت در گذشته است به عبارت دیگر، پادشاه هیتی می‌گوید: «من این و آن و آن را برای تو انجام داده‌ام.» مشخص می‌شود که این فقط نوعی فرمول کلیشه‌ای نیست که فقط به تمام معاهداتی که همه پادشاهان بزرگ امپراتوری هیتی منعقد می‌کنند ضمیمه شده باشد، زیرا همه مقدمه‌های تاریخی متفاوت هستند. آنها خاص هستند و توسط افرادی که آنها را مطالعه کرده‌اند، به عنوان خلاصه‌هایی حاوی اطلاعات تاریخی معتبر در نظر گرفته می‌شوند. برخی از آنها بسیار طولانی و مفصل هستند، برخی از آنها بسیار کوتاه هستند، اما وقایع گذشته مربوط به دو طرف معاهده را شرح می‌دهند. آنها وظیفه دارند هم قدردانی و اعتماد و هم حس تعهد رعیت را نسبت به پادشاه بزرگ توجیه کنند.

به عبارت دیگر، پادشاه بزرگ می‌گوید: «من این و آن را برای تو انجام داده‌ام» و سپس وقتی به بخش شروط می‌رسیم، می‌گوید: «این چیزی است که از تو انتظار دارم.» رعیت دلیلی برای اعتماد به پادشاه بزرگ دارد زیرا او در گذشته به او کمک کرده است، اما او همچنین به دلیل آنچه پادشاه بزرگ در گذشته انجام داده است، نسبت به پادشاه بزرگ تعهدی دارد. بنابراین، آن مقدمه تاریخی، عملکرد بسیار مهمی در ایجاد روحیه رابطه بین این دو طرف دارد.

این موضوع، به طور طبیعی، به عنصر سوم فرم معاهده می‌رسد. عنصر سوم چیزی شروط اساسی ۳. است که شرط اساسی نامیده می‌شود، که گاهی اوقات بیانیه محتوا نامیده می‌شود. این یک بند نسبتاً مختصر و کلی است که تعهد وفاداری از طرف شریک فرعی معاهده نسبت به پادشاه بزرگ، تعهد اساسی وفاداری را خلاصه می‌کند. در یکی از معاهدات، پس از مقدمه تاریخی، این معاهده‌ای از مورسیلیس با یک رعیت است، اما آن شرط اساسی چنین است: «اکنون سوگندهای پادشاه را حفظ کنید و از قدرت پادشاه محافظت کنید.» این تعهد شماسست این تعهدات اساسی شماسست. «این سوگندها را نگه دارید، از قدرت پادشاه بزرگ محافظت کنید.» در یکی دیگر از

معاهدات مورسیلیس با فرد دیگری از اوگاریت، او می‌گوید: «تو، نیک‌نفا»، که نام پادشاه دست‌نشانده است، «از این پس، تا روزهای آینده، به پادشاه هاتی، که پادشاه هیتی‌ها است، وفادار خواهی بود. «در روزهای آینده، این پیمان دوستی را با پادشاه هاتی، پسران پادشاه و با هاتی حفظ کن.» بنابراین، این بیان تعهد اساسی وفاداری از سوی دست‌نشانده نسبت به پادشاه بزرگ است که از مقدمه تاریخی، جایی که اعمال خیرخواهانه و خیرخواهانه پادشاه بزرگ نسبت به دست‌نشانده بر شمرده شده است، سرچشمه می‌گیرد.

سپس، شروط جزئی در بخش چهارم معاهده دنبال می‌شوند. و در آنجا، به جای بیانی کلی تعهد شروط جزئی ۴. وفاداری، موارد خاصی را مشاهده می‌کنید که از رعیت انتظار می‌رود: ممنوعیت سایر روابط خارجی، رعیت نباید اجازه دهد هیچ حرف بدی علیه پادشاه بزرگ زده شود، رعیت باید سالی یک بار در حضور پادشاه هیتی حاضر شود و خراج سالانه را بیاورد، اختلافات بین رعایا باید برای قضاوت به پادشاه بزرگ ارائه شود، و به همین ترتیب، انواع شروط دقیق از انواع چیزهایی که پادشاه بزرگ از رعیت انتظار داشت.

به دنبال آن فهرستی از خدایان به عنوان شاهد آمده است. خدایانی که بر شمرده شده‌اند خدایان به عنوان شاهد ۵. خدایان هیتی‌ها، یعنی خدایان پادشاه بزرگ، و همچنین خدایان رعیت هستند و معمولاً این فهرست‌ها بسیار طولانی هستند؛ و این خدایان هستند که تضمین می‌کنند این یک سند الزام‌آور است.

که به طور طبیعی در شماره شش، نعمت‌ها و نفرین‌ها، جریان دارد. اگر از تعهدات نعمت‌ها و نفرین‌ها ۶. خود پیروی کنید، از نعمت‌های این خدایان بهره‌مند خواهید شد. اگر از شروط، چه شروط اساسی و چه شروط جزئی، سرپیچی کنید، نفرین‌های این خدایان مختلف را تجربه خواهید کرد. بنابراین، می‌توان گفت خدایان، مجریان نفرین‌ها و نعمت‌ها هستند. معمولاً ابتدا نفرین‌ها و سپس نعمت‌ها داده می‌شوند. نفرین‌ها شامل چیزهایی مانند نازایی، فقر، طاعون، قحطی، بدبختی و چیزهایی از این قبیل می‌شوند. نعمت‌ها تداوم نسل یک رعیت هستند - این همیشه یک مسئله بوده است که چه کسی قرار است بر تخت سلطنت بنشیند - سلامتی، رفاه، صلح و چیزهایی از این قبیل.

بنابراین، این ساختار معاهدات هیتی است. مندنهال، خیلی قبل‌تر در سال ۱۹۵۴، وقتی مقاله اصلی را نوشت که به این ساختار اشاره می‌کرد، همچنین گفت که در برخی از معاهدات - نه در همه معاهدات، که عموماً ساختار آنها ثابت است - با این حال، در برخی از معاهدات، به چند ویژگی اضافی دیگر نیز اشاره شده است، سوگند رسمی که توسط واسال انجام می‌شود، مراسم تصویب، شکلی برای رویه علیه واسال شورشی، و چهارم پیش‌بینی سپردن سند معاهده در پناهگاه واسال با قرائت عمومی دوره‌ای. در برخی از معاهدات، به برخی از این موارد نیز اشاره شده است.

یعنی ب، "شکل معاهدات"، ج. معاهدات هیتی هزاره دوم از نظر شکلی با معاهدات بعدی متفاوت است در طرح کلی شما این است: "معاهدات هیتی هزاره دوم از نظر شکلی با معاهدات بعدی c و اسال". حرف کوچک متفاوت است. "وقتی اینجا از معاهدات بعدی صحبت می‌کنم، به طور خاص به معاهدات آشوری قرن هفتم از زمان اسرحدون و معاهدات آرامی قرن هشتم که برخی آن را سفایر می‌نامند، فکر می‌کنم. بنابراین، معاهدات هیتی شکل متفاوتی از مجموعه‌ای از معاهداتی دارند که در قرن‌های هفتم و هشتم پیش از میلاد به وجود آمده‌اند. وقتی به معاهدات سفایر اینجا نگاه می‌کنید، (این معاهدات آرامی است) و معاهدات آشوری اسرحدون – این نمودار در اسلاید ۲۸ از مقاله کی.ای. کیچن در کتاب *باستان‌شناسی کتاب مقدس اقتباس شده است*. ساختار آن به این صورت است: عنوان، شاهدان، شروط و نفرین‌ها. معاهدات سفیر: عنوان، شاهدان، نفرین‌ها و شرط‌ها. شما آن را با معاهده هیتی و مطالب عهد کتاب مقدس مقایسه می‌کنید، که در آن عنوان، مقدمه، شروط، سپرده، شاهدان، برکات و نفرین‌ها را دارید.

می‌بینید که ساختار متفاوتی وجود دارد، و نکته قابل توجه در مورد معاهدات آشوری و آرامی قرن‌های هفتم و هشتم این است که هیچ مقدمه تاریخی وجود ندارد. در معاهدات هیتی، مقدمه تاریخی وجود دارد، اما در معاهدات آشوری و سفیر هیچ مقدمه‌ای وجود ندارد. شما عنوان، نویسنده معاهده، شروط، شاهدان و نفرین‌ها را دارید. این بدان معناست که شما لحن بسیار تندی دارید، به خصوص در معاهدات آشوری. عبارت‌بندی، تحمیل بی‌رحمانه قدرت آشوری بر یک کشور تابعه است. هیچ اشاره‌ای به اقدامات خیرخواهانه یا دلسوزانه از سوی حاکم آشوری نسبت به تابعه در روابط قبلی وجود ندارد. هیچ مبنایی برای اعتماد وجود ندارد؛ هیچ چیزی که شایسته وفاداری، سپاسگزاری، قدردانی نسبت به پادشاه بزرگ باشد، وجود ندارد. آنچه در اینجا می‌بینید، اعلامیه‌ای از تعهدات تحمیل شده بر تابعه با نفرین‌های وحشتناک در صورت عدم رعایت آن تعهدات توسط تابعه است. سپس متوجه می‌شوید که هیچ نعمتی وجود ندارد، فقط نفرین. بنابراین می‌بینید، اگر به ساختار هیتی نگاه کنید، جایی که آن مقدمه تاریخی را دارید که اعمال خیرخواهانه پادشاه بزرگ را نسبت به رعیت توصیف می‌کند و شامل نعمت‌ها و همچنین نفرین‌ها می‌شود، لحن یا روحیه کاملاً متفاوتی در رابطه بین طرفین پیمان خواهید داشت.

حال، با این اوصاف، اجازه دهید به عقب برگردم؛ در طرح کلی خود توجه د. پیمان‌ها و عهد کتاب مقدس کنید که ج «معاهده‌های هیتی از نظر شکل با این معاهدات بعدی متفاوت است» اما د «معاهده‌ها و عهد کتاب مقدس» است. اگر به ساختار هیتی نگاه کردید و سپس به مطالب عهد کتاب مقدس نگاه کردید - محققان انجیلی، مختلفی وجود دارند که با این موضوع کار کرده‌اند، و من نمی‌خواهم زمان زیادی را صرف این موضوع کنم و KA Kitchen بنابراین می‌توانید دقیقاً در مورد چگونگی ارزیابی این موضوع بحث کنید، اما من در اینجا از استفاده کرده‌ام. می‌توانید در کتابشناسی‌های خود به دنبال نوشته‌های آنها بگردید. وقتی به JA Thompson

مطالب کتاب مقدس می‌رسیم، عهد، البته، در سینا برقرار می‌شود، جایی که ما در کتاب خروج هستیم؛ آن عهد چهل سال بعد، پس از سرگردانی در بیابان در دشت‌های موآب، تمدید شد.

کتاب تثنیه در واقع یک سند تجدید عهد است. به تجدید عهد در تثنیه، یوشع ۲۴ و اول سموئیل ۱۱-۱۲ نظر می‌رسد که عهدهایی که به طور خاص به جانشینی در رهبری مربوط می‌شوند، معمولاً در زمان تغییر رهبری تمدید می‌شدند. موسی در آستانه مرگ خود است وقتی به دشت‌های موآب می‌رسد. بنابراین، بخشی از دلیل تجدید عهد در آن برهه از زمان، فراهم کردن زمینه انتقال رهبری از موسی به یوشع بود. در آنجا به چیزی می‌رسیم که برخی آن را «جانشینی سلسله‌ای» می‌نامند. وقتی رهبر یک فرمانروا می‌مرد و شما جانشینی داشتید تجدید پیمان با پادشاه بزرگ صورت می‌گرفت. بنابراین، در اینجا موسی و یوشع را دارید و اگر تثنیه را با دقت بخوانید، توجه زیادی به این جانشینی شده است. برگزاری مراسم تجدید عهد مناسب است. وقتی به انتهای کتاب یوشع، یوشع، فصل ۲۴ می‌رسید، یوشع در آستانه مرگ است و او تمام اسرائیل را در شکیم جمع می‌کند و در آنجا اسرائیل دوباره در نقطه‌ای از انتقال رهبری از یوشع به دوره داوران، بیعت خود را با خداوند تجدید می‌کند. من فکر می‌کنم هدف از این تجدید عهد، فراهم کردن تداوم عهد از طریق یک دوره گذار در رهبری بود.

بنابراین شما عهدی را دارید که در خروج برقرار شده، در کتاب تثنیه تجدید شده و در یوشع ۲۴ در زمان مرگ یوشع تجدید شده است. تجدید عهد بعدی، اول سموئیل ۱۱ و ۱۲ است، جایی که در زمان گذار از داوران به سلطنت وجود داشت - یک گذار بزرگ در ساختار رهبری حکومت دینی. پادشاهی در چارچوب مراسم تجدید عهد که در جلال برگزار شد، برقرار می‌شود. بنابراین وقتی به خروج نگاه می‌کنید، می‌توانید به تثنیه نگاه کنید، می‌توانید به یوشع ۲۴ نگاه کنید، می‌توانید به اول سموئیل ۱۲ نگاه کنید، و چیزی که پیدا می‌کنید این است که آن عناصر از شکل پیمان هیتی به وضوح در تمام آن مطالب کتاب مقدس ظاهر می‌شوند. حال، کاری که کیچن و تامپسون در اسلاید ۲۵ انجام داده‌اند این است که آن عناصر را در نظر می‌گیرند: مقدمه، کیچن آن را در خروج ۱: ۱-۵، و در یوشع، یوشع می‌یابد، برای متن خروج، تامپسون در خروج ۳: ۱۹ تا ۲۰: ۲۱؛ و به همین ترتیب با مقدمه تاریخی، شرط اساسی، شرط‌های دقیق، شاهدان، نفرین‌ها و برکات، ۲: ۲۴.

توجه داشته باشید با شاهدان، یک تفاوت در اینجا این است که شما خدایان را به عنوان شاهد تمایز شاهدان ندارید. در خروج ۴: ۲۴، «موسی هر آنچه را که خداوند گفته بود نوشت. او صبح زود روز بعد برخاست، در پای کوه قربانگاهی ساخت، دوازده ستون سنگی به نمایندگی از دوازده قبیله اسرائیل برپا کرد.» شاهدان، دوازده ستون سنگی وجود داشتند. به عنوان مثال، اگر به یوشع ۲۷: ۲۴ بروید، می‌خوانید: «ببینید، او به همه مردم گفت، این سنگ شاهد ما خواهد بود. همه سخنانی را که خداوند به شما گفته است شنیده است. اگر به خدای خود خیانت کنید، شاهد شما خواهد بود.» در تثنیه، موسی آسمان و زمین را به عنوان شاهد پیمانی که اسرائیل با خداوند بسته است

فرا می‌خواند. بنابراین، شما شاهد دارید، و نفرین‌ها و نعمت‌ها را دارید.

پیمان پادشاه بزرگ اثر

بنابراین، برای بازگشت به مقاله اصلی مندنهال، چیزی که مندنهال به آن توجه کرد ساختار مردیت کلاین، معاهدات هیتی بود، و سپس او در مورد ساختارهای بسیار مشابه در مواد پیمان کتاب مقدس تأمل می‌کند. حال مردیت کلاین، که یک انجیلی است و کارهای زیادی در مورد قیاس بین مواد پیمان هیتی و مواد پیمان کتاب مقدس انجام داده است، کتابی به نام *پیمان پادشاه بزرگ نوشت*، و آن کتاب بحثی در مورد این قیاس بین معاهدات هیتی و مواد پیمان کتاب مقدس بود، اما در عین حال، تفسیری بر کتاب تثنیه بود. وقتی او عنوان آن کتاب را *پیمان پادشاه بزرگ می‌گذارد*، در اصل می‌گوید که تثنیه یک سند پیمان است. این پیمان پادشاه بزرگ است و پادشاه بزرگ یهوه است. او، به نظر من، به طور مشروع، تثنیه را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که منعکس کننده ساختار پیمان است. می‌بینید که یک مقدمه، پیشگفتار تاریخی، شروط، فرمان بزرگ، خاص وجود دارد. فرامین فرامین جزئی‌تر، تحریم‌ها، تصویب عهد، شامل برکات و نفرین‌ها. همچنین یک پیوستگی عهد و پیمان سلسله‌ای وجود دارد - این انتقال در رهبری بین موسی و یوشع است. به نظر من، کلاین در نشان دادن اینکه چگونه تثنیه منعکس کننده شکل معاهده است، کار خوبی انجام داده است.

«عهد پادشاه بزرگ، انجام می‌دهد، کلاین و تثنیه حال، کاری که کلاین فراتر از آن در کتاب خود اشاره به برخی از پیامدهایی است که از شباهت شکل معاهده هیتی و مفاد عهد کتاب مقدس ناشی می‌شود. به استنادات خود، صفحه ۲۸، پاراگراف الف، نگاه کنید. او می‌گوید: «موضعی که در اینجا باید از آن دفاع کرد این است که تثنیه یک سند تجدید عهد است که در ساختار کلی خود، شکل حقوقی کلاسیک معاهدات حاکمیتی عصر موسی را نشان می‌دهد. با توجه به شواهدی که اکنون بررسی شده است، به نظر می‌رسد که کتاب تثنیه، نه به شکل یک هسته اصلی خیالی، بلکه دقیقاً در تمامیت شکل فعلی خود، تنها موردی که شواهد عینی برای آن وجود دارد ساختار معاهدات حاکمیتی باستانی را در وحدت و کامل بودن الگوی کلاسیک آنها نشان می‌دهد.» حال، متوجه خواهید شد که او در مورد تثنیه در شکل فعلی آن صحبت می‌کند؛ به عبارت دیگر، در ساختار کل کتاب، نه به شکل یک هسته اصلی خیالی. در طول قرن گذشته، محققان منتقد معمولاً می‌گفتند که تثنیه یک اثر متأخر است و هسته اصلی آن فصل‌های ۱۲ تا ۲۶ بوده و سپس فصل‌های ۱ تا ۱۱ بعداً اضافه شده‌اند، فصل‌های ۲۷ تا ۳۴ نیز بعداً اضافه شده‌اند و همه اینها بسیار دیرتر از زمان موسی بوده است. اکنون، می‌بینید که کلاین می‌گوید، تثنیه در کل نگارش خود، یک ساختار ادبی را منعکس می‌کند، نه در یک هسته اصلی با مطالب اضافه شده در ابتدا و انتهای آن، بلکه به عنوان یک نگارش اصلی. او می‌گوید: «با توجه به توانایی نویسنده و عظمت این مناسبت طبیعی است که میزانی از غنای کلامی و ادبی در قالب حقوقی سنتی وجود داشته باشد»

و البته، در پذیرش رسانه‌های رسمی رایج برای بیان وحی منحصر به فرد خداوند در کتاب مقدس سازگاری مفهومی اجتناب‌ناپذیری وجود دارد. به عبارت دیگر، شکل پیمان هیتی صرفاً به نوعی به صورت مکانیکی به متن تثنیه منتقل نشده است. در استفاده از این شکل آزادی خاصی وجود دارد و البته، تفاوت زیادی بین تحمیل پیمان توسط یک پادشاه انسانی بر یک رعیت و ورود خدا به یک رابطه پیمانی با قوم خود وجود دارد. بنابراین تفاوت‌هایی وجود دارد. اما ساختار کلی یکسان است و او با این جمله نتیجه می‌گیرد: «آنچه قابل توجه است، میزان دقیق استفاده خدا از این ابزار قانونی پادشاهی‌های انسانی برای تعریف و اداره سلطنت رهایی‌بخش خود بر قومش است.» به عبارت دیگر، در اینجا مثال دیگری از نحوه صحبت خدا در قالب‌های قانونی زمانی که این وحی داده شده است، زمانی که میثاق برقرار شده است، آورده شده است. او از چیزی استفاده می‌کند که برای مردم آن زمان آشنا بوده است تا رابطه بین خود و قومش را ساختار دهد.

اکنون، کلین برخی از پیامدهای این موضوع را بیشتر بررسی می‌کند. اولین مورد، پیامد مربوط به در پایین صفحه ۲۸ در استنادات خود نگاه کنید. «پیامد شواهد جدید برای B تاریخ تثنیه است. به پاراگراف، پرسش‌های مربوط به قدمت و اصالت تثنیه نباید نادیده گرفته شود. نوع سندی که تثنیه با آن شناخته شده است. ریشه در یک موقعیت آیینی تکرار شونده ندارد. البته این معاهدات برای مناسبت‌های تاریخی خاصی تهیه شده‌اند. بنابراین، لازم است به دنبال یک رویداد تاریخی مناسب در زندگی ملی اسرائیل باشیم تا بتوانیم منشأ معاهده تثنیه را به طور رضایت‌بخشی توضیح دهیم. اکنون بدون تکرار تمام داده‌هایی که کاملاً آشکار می‌کند که مخاطبان ملت تئوکراتیک تازه تأسیس شده بوده‌اند، فقط یک سؤال را مطرح می‌کنیم: در چه زمانی، چه در دوران پادشاهی و چه پیش از پادشاهی، به جز در همان موقعیتی که تثنیه به آن اشاره دارد، می‌توان موقعیت تاریخی‌ای یافت که در آن دوازده قبیله به یک تعهد عهدی فراخوانده شده باشند که هدف خاص آن، همانطور که هدف معاهده تثنیه به طور واضح این بود، تضمین تداوم یک سلسله (غیر داوودی) بر اسرائیل باشد؟» به عبارت دیگر، این موضوع جانشینی سلسله‌ای از موسی تا یوشع است و این عنصر مهمی در کتاب تثنیه است. این موضوع در کجای دیگری غیر از پایان زندگی موسی می‌تواند جای بگیرد؟ بنابراین، او این را به عنوان اشاره‌ای ضمنی به این تاریخ می‌گوید.

پاراگراف بعدی در بالای صفحه ۲۹، «شاخص دیگری از زمان نگارش تثنیه با تکامل معاهدات و تاریخ تثنیه شکل مستند معاهدات حاکمیت ارائه شده است. مسلماً شواهد موجود هنوز کاملاً محدود است و تفاوت‌های بین معاهدات موجود نباید اغراق‌آمیز باشد. در واقع، این یک گونه است که ما در طول دوران عهد عتیق با آن مواجه می‌شویم. با این وجود، یک تکامل قابل تشخیص وجود دارد. به عنوان مثال، جایی که آغاز در معاهدات سفیر و نیم‌رو هزاره اول قبل از میلاد حفظ شده است، این امت آغازین معاهدات هیتی هزاره دوم قبل از میلاد یا معادل آن نیست. همچنین، در معاهدات سفیر تنها اثری از تحریم‌های برکت که در معاهدات قبلی برجسته هستند، باقی

مانده است و تحریم‌ها در معاهدات اسرحدون منحصراً از نفرین‌ها تشکیل شده است. قابل توجه‌ترین تفاوت این است که مقدمه تاریخی، بخش دوم متمایز معاهدات هزاره دوم، دیگر در متون بعدی یافت نمی‌شود.» ما یک دقیقه پیش در مورد آن صحبت کردیم.

بنابراین، در پاراگراف بعدی خود می‌گویید: «بر این اساس، اگرچه لازم است که پیوستگی قابل توجهی در الگو بین معاهدات اولیه و بعدی تشخیص داده شود، اما مناسب است که معاهدات هیتی هزاره دوم قبل از میلاد را به عنوان شکل «کلاسیک» متمایز کنیم. و بدون شک کتاب تثنیه به مرحله کلاسیک در این تکامل مستند تعلق دارد. در اینجا تأیید قابل توجهی از پرونده *اولیه* برای منشأ موسی معاهده تثنیه پادشاه بزرگ وجود دارد.» ببینید آنچه او در آنجا استدلال می‌کند این است که اگر به این ساختار معاهدات از هزاره سوم تا هزاره اول، بیش از دو هزار سال، نگاه کنید، ساختار معاهدات هیتی، که او آن را شکل کلاسیک معاهده می‌نامد، همان چیزی است که با مواد معاهده کتاب مقدس موازی است. اگر به هزاره سوم قبل از میلاد برگردید، ساختار کاملاً متفاوت است. اگر به قبل بروید، متفاوت است. اگر بعداً بروید، متفاوت است. فکر می‌کنم 16 یا 18 معاهده هیتی وجود دارد؛ حدود معاهده در طول یک دوره دو هزار ساله کشف شده‌اند و اگر به آنها نگاه کنید، خواهید دید که ساختارها در ۸۵ طول زمان متفاوت بوده‌اند. مطالب کتاب مقدس با شکل هیتی مطابقت دارد؛ شکل هیتی به دوران موزائیک - دهه ۱۴۰۰ یا ۱۲۰۰ میلادی - برمی‌گردد.

کمی جلوتر می‌رویم - استدلال سنتی محققان منتقد این است که تثنیه در قرن ششم یا هفتم، در اواخر تاریخ اسرائیل، نوشته شده است. معمولاً گفته می‌شود که منشأ تثنیه زمان یوشیا، ۶۲۱ قبل از میلاد، است، زمانی که کتاب قانون توسط حلقیا کاهن در معبد پیدا شد و آن را نزد یوشیا برد. دیدگاه انتقادی سنتی این است که کتاب قانون، تثنیه بوده است؛ این کتاب به عنوان کتاب موسی معرفی شده است، اما توسط رهبران مذهبی اورشلیم به منظور متمرکز کردن عبادت در اورشلیم در زمان یوشیا نوشته شده است. بنابراین، اینکه تثنیه مربوط به اواخر است، تقریباً مورد اجماع همه محققان منتقد است. تاریخ نگارش تثنیه باید ۶۲۱ سال قبل از میلاد باشد. منظور، کلاین این است که اگر به شکل ادبی کتاب تثنیه نگاه کنید، ریشه آن شکل به دهه‌های ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی زمان موسی، پادشاه بزرگ هیتی‌ها برمی‌گردد، نه به زمان معاهدات اسرحدون، در قرن هفتم قبل از میلاد. بنابراین، اینها پیامدهایی برای تاریخ هستند. من آن موقع گفتم که پیامدهایی برای نحوه انتقال نیز وجود دارد. دفعه بعد باید به آن نگاه کنیم.

رونویسی توسط کریس آلیسون
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط کیتی الز
روایت مجدد توسط تد هیلدبرانت

